

اهمیتِ بپا داشتن نماز

آیه الله مشکینی

منظور از «اقم الصلوة» امر شخصی باشد یعنی لقمان فرزندش را موظف می سازد که خود نماز بجای آورد، و احتمال دوم این است که مقصود، احیای نماز در جامعه است، یعنی نه تنها خود او مکلف است که نماز بگذارد بلکه باید فریضه نماز را نیز در جامعه اش زنده ساخته و مردم را بخواندن نماز تشویق و ترغیب نماید. جمله معروف «اشهد انک قد اقامت الصلوة» هم که در زیارت حضرت امام حسین علیه السلام آمده است، نیز منظوره همین معنای دوم است.

اقامة نماز در ادیان گذشته

و چنانچه از روایات بر می آید، نماز جزء برنامه های دینی تمام پیامبران الهی بوده است. در روایت است که حضرت آدم (ع) اقامه نماز نموده است و همانطوری که بعضی از محرمات در تمام ادیان آسمانی حرام بوده است که از جمله آنها شراب است و در روایت وارد شده است که: هیچ پیامبری برانگیخته نشد جز اینکه شراب در شریعت او حرام گردیده بود، اقامه نماز نیز در تمام ادیان و شریعت های آسمانی وارد شده و پیامبران به انجام آن مأموریت داشته اند.

آیاتی که در قرآن کریم راجع به بعضی از پیامبران ذکر شده است، دلالت بر این دارد که نماز در شریعت آنان وجود داشته است. چنانچه درباره حضرت ابراهیم (ع) می فرماید که پس از ساختن کعبه چنین دعا نمود: «رب اجعلنی مقيم الصلوة ومن

«یا بنی اقم الصلوة و امر بالمعروف و انه عن المنکر و اصبر علی ما اصابک ان ذلک من عزم الامور»^۱.

پسرم! نماز را بر پا دار و امر بالمعروف و نهی از منکر نما، و در برابر مصائب و مشکلاتی که به تو می رسد، صابر و شکیبای باش چرا که این از امور مهم و اساسی است.

در آیات پانزدهم و شانزدهم همین سوره، دو اصل مهم اعتقادی در سفارشات لقمان که مربوط به مبدأ و معاد است، ذکر شده است، و ما در قسمتهای گذشته درباره آنها مطالبی بیان کردیم، ولی آیه فوق که آیه هفدهم است درباره مسائل اعتقادی نمی باشد، بلکه بعضی از مسائل فرعی در آن مطرح گردیده که عبارت اند از:

۱- اقامه نماز.

۲- امر بالمعروف.

۳- نهی از منکر.

۴- استقامت در انجام وظائف.

ما در این قسمت تنها به بیان امر اول اکتفا می کنیم و آن سه امر دیگر را، به شماره های آینده موکول می نمائیم.

اقامة نماز

در آغاز این آیه می فرماید: «یا بنی اقم الصلوة» فرزندم! نماز را بر پا دار. در این جمله دو احتمال وجود دارد: یکی اینکه

ذَرْتِي»^۱ - پروردگارا! من و فرزندانم را از پیا دارندگان نماز قرار بده.

و در سوره «یونس» می فرماید: «و اوحینا الی موسی و اخیه
أَنْ تَبُوءَ لِقَوْمِكَمَا بِمِصْرَ بِيُوتَا وَ اجْعَلُوا بَيْنَكُمْ قَبْلَةً وَ اقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ بَشِّرِ
الْمُؤْمِنِينَ»^۲ - ما بموسی و برادرش وحی نمودیم که با پیروانان در
سرزمین مصر منزل گیرید و خانه هایتان را روبروی یکدیگر قرار دهید و
نماز را پیا دارید و (ای موسی) مؤمنین را بشارت ده (که سرانجام، پیروزی
از آنان خواهد بود).

در سوره مریم درباره حضرت اسماعیل (ع) چنین آمده است:
«وَ كَانَ بِأَمْرِ أَهْلِهِ بِالصَّلَاةِ...»^۱ - اسماعیل خانواده اش را به خواندن نماز
امر می نمود.

و راجع به حضرت زکریا (ع) که در محراب عبادت، مورد
خطاب فرشتگان الهی قرار می گیرد، در سوره مبارکه
«آل عمران» می خوانیم:

«فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَ هُوَ قَائِمٌ فِي الْمِحْرَابِ إِنَّ اللَّهَ بِشَرِّكَ
بِیْحِسِبِ...»^۱ - پس فرشتگان، زکریا را هنگامی که در محراب بنماز
ایستاده بود، ندا کردند که: همانا خداوند ترا بولادت یحیی بشارت
می دهد.

حضرت عیسی (ع) وقتی بدنیا آمد، ولادت او از زنی که هنوز
همسری برای خویش انتخاب ننموده است، مایه شگفتی مردم
شد، حضرت مریم پاسخ آنان را بخود عیسی که در گهواره بود
حواله داد، حضرت عیسی فرمود: «... و اوصانی بالصلاة
و الزکوة مادمت حیا»^۲ خداوند مرا بنماز و زکات تا هر وقت که زنده ام،
دستور داده است.

و چنانچه از آیات مزبور برمی آید، نماز در شریعت پیامبران
دیگر نیز وجود داشته است، و این خود دلالت بر اهمیت نماز
دارد.

فرق شریعت و دین

چون از شریعت و دین، صحبت بمیان آمد، لازم است که
فرق میان این دو را بطور مختصر بیان نمائیم: در قرآن کریم
می خوانیم: «ان الدین عند الله الاسلام»^۱ همانا دین در نزد خداوند

اسلام است. یعنی تمام پیامبران برای تبلیغ یک دین که اسلام
است مبعوث شده اند، ولی شریعت چنین نیست چرا که
شریعت های پیامبران با هم تفاوتی در کم و زیادی احکام
داشته است و اگر بخواهیم این تفاوت را به مثال بیان نمائیم باید
بگوئیم که: دین بمثابه پیکر و شریعت بمنزله لباس است. آنچه
در طی بعثت های مکرر تغییر نموده است، شریعتها بوده ولی دین
در عصر تمام انبیاء بزرگ الهی، همان اسلام بوده و تغییری در آن
بوجود نیامده است.

روح و پیکره نماز

همانگونه که بیان شد نماز گرچه جزء اصول دین نیست ولی
با این حال، از آن فروعی بوده که در شریعت آدم، ابراهیم،
موسی، عیسی علیهم السلام و دیگر پیامبران وجود داشته است.

نماز دارای روح و پیکری است، پیکره نماز عبارت از اعمال
و اذکار است و روح نماز توجه کامل بخداوند و حضور قلب
می باشد و برای هر یک از اجزاء و شرایط نماز، احکام
جداگانه ای است که بخشی بزرگ از فقه اسلامی را بخود
اختصاص داده است.

درباره روح نماز که همان خلوص نیت و توجه قلبی بخدا در
حال نماز است، روایات زیادی وارد شده است که دلالت بر
اهمیت فراوان آن دارد، و اصلاً نمازی که بدون روح باشد، مانند
پیکری بی جان و یادریخت خشکیده است، و همانگونه که درخت
خشک، دارای برگ و میوه ای نیست، نمازی هم که برای
خودنمائی و بدون توجه بخداوند متعال خوانده شود، در حقیقت از
آن ثمره و نتیجه ای که باید برخوردار باشد، بی بهره است.

مردی روستائی نزد عالمی آمد و گفت: هرگاه من مشغول
نماز می شوم از آغاز تا پایان نماز به فکر گاو و گوسفند و باغ
و مزرعه ام هستم! آن عالم در پاسخ گفت: اینکه تو داری دل
نیست بلکه ده است که حتی در حال نماز، بجای خداوند، در
آن حیوان و مزرعه جای دارد.

شما دو نفر انسان را در نظر بگیرید، یکی از آنها دارای

کامل تأمین نکرده است. اگر می بینید که خدای نخواستگه بگناه آلوده می شوید، مثلاً اگر بازاری هستید برای سود بیشتر دروغ می گوئید! اگر جوانید بدنبال چشم چرانی هستید! و... باید بدانید آن نمازی را که «تنهی عن الفحشاء والمنکر» است انجام نمی دهید، و نماز شما فاقد روح و توجه بخداوند است و لذا شما را از گناه باز نمی دارد.

نماز وسیله ارتباط با خداوند

نماز مهمترین وسیله توجه و ارتباط انسان با خداوند است، در حدیث وارد شده است: «الصلوة معراج المؤمن» نماز وسیله عروج انسان است نماز معراج مؤمن است که روح انسان را از توجه به غیر خدا و از توجه به مادیات، باز می دارد و بسوی خدا پرواز می دهد تا آنجا که تنها توجه باو پیدا نماید و از غیر او دل ببرد. البته نمازی معراج است که دارای روح باشد در روایت است: «الصلوة فربان کلی تقی» - نماز وسیله تقرب انسان با تقوی بخدا است.

فواید سیاسی نماز

از نظر سیاسی نیز نماز دارای آثار بسیاری است. این انقلاب بزرگ اسلامی از برکت نمازهای جماعت بشمر رسید. این مردم بودند که در مساجد اجتماع کردند و نماز جماعت را برگزار نمودند و به سخنرانیها گوش فرا دادند تا اینکه بینش مذهبی و سیاسی تحصیل نمودند و آنگاه این انقلاب عظیم را بوجود آوردند.

نماز اول وقت

در اینجا مناسب است روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم درباره فضیلت نماز اول وقت نقل نمایم: قال رسول الله (ص): «لا يزال الشيطان هائبا لابن آدم ذعرا منه ما صلی الصلوات الخمس لوقتهن فاذا ضیعت اجترأ علیه فادخله فی العظام»^۱ پیوسته شیطان از بنی آدم تا هنگامی که نمازش را در وقت

بقیه در صفحه ۵۱

اندامی متناسب، مزاجی سالم ولی از نظر فکری و معنوی، فاقد ارزش های انسانی باشد و دیگری از جهت جسمی چنین نباشد ولی از جهات معنوی و علمی در سطحی بالا قرار داشته باشد، کدام یک از این دو نفر در نظر شما دارای ارزش و احترام است؟ در روز قیامت هم نمازی با ارزش است که دارای روح باشد یعنی از آغاز نماز که تکبیر الاحرام است تا سلام نماز، تمام توجه انسان، به خداوند باشد. قبلاً این مثال را زده ایم که اگر ضبط صوتی باشد که بتواند تمام افکار انسان را در حال نماز روی نوار ضبط نماید و انسان بعد از نماز، آن را باز نموده و به افکار و خیالات پراکنده خویش گوش فرا دهد از نماز خود شرمند خواهد شد.

شخصی شنیده بود که امیرمؤمنان علیه السلام آنچنان در نماز توجه بخدا دارد که حتی هنگامی که تیری از پایش درآوردند متوجه آن نشد، با خود گفت: من هم می روم به مسجد کوفه و مانند علی علیه السلام دو رکعت نماز با حضور قلب می خوانم. وارد مسجد شد، رو به قبله ایستاد و تکبیر نماز گفت، یکباره چشمش به مناره مسجد افتاد، شروع به شمردن آجرهایی که در ساختمان مناره بکاررفته است نمود!! وقتی متوجه شد مشغول نماز است که به سلام آخر نماز رسیده! آیا چنین نمازی می تواند نهی از فحشاء و منکر کند؟ همانگونه که درآیه آمده است: «ان الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر».

نیاز انسان به نماز

نماز برای ساختن انسان و برای پرورش روح و تحصیل معنویت است، بنابراین انسان برای تربیت روح و ساختن خویش همان اندازه نیاز به نماز دارد که نیاز به هوا دارد، اگر هوا به انسان نرسد می میرد، و یا چنانچه هوای ناسالم و آلوده وارد ریه او گردد، مبتلا به بیماری می شود، از اینرو قرآن کریم درباره نماز می فرماید: «ان الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر»^۲ - نماز انسان را از ارتکاب هرکار زشت باز می دارد.

انسانی که حق نماز را ادا نکند و آن توجه و حضور قلب لازم را در نماز نداشته باشد، او در حقیقت نیاز روحی خود را بطور

نامتناسب با هدفهای مقدس نظام اسلامی در کشور ما همچنان دارای ارزش و اعتبار بوده و مقبول واقع شود.

ناگفته نماند همان طور که قبلاً ذکر گردید نتایج عملی برنامه ریزیها با زمان تدوین برنامهها فاصله زیاد دارد و اگر حواس مسئولین جمع نباشد و دست اندرکاران برنامه ریزی کشور مراقبت ننمایند ممکن است خدای ناکرده افکار رنگ گرفته از فرهنگهای دیگر و قالب گیری

شده، گرچه مخالفتی با نظام اسلامی نداشته باشند، براساس همان بینش نامطلوب و نامتناسب خود برنامههایی را ارائه نمایند که آثار سوئی را بعدها از خود بجا گذارد و در ارتباط با غرض و رزان به نظام اسلامی و انقلابی در دستگانهایی برنامه ریزی کشور نیز نباید غافل بود، چرا که نور چشمیهای رژیم گذشته عمدتاً جذب این دستگاه حساس کشور می شدند و بعید نیست که پس مانده های آنان هنوز حضور

فعال داشته باشند و با زرنگی های خاصی که ممکن است داشته باشند، از پشت به نظام نوپای اسلامی ضربه بزنند و باید هوشیار بود که تپه و تدوین برنامه های فریبنده ولی بظاهر مطلوب که در مقام اجرا نتیجه عکس داده و بجای پیشرفت و ترقی و حل مسائل، عقب افتادگی و تأخیر و افزایش مشکلات در کشور را باعث می گردند از مهارتهای چنین افرادی در سازمان برنامه ریزی کشور می تواند باشد.

ادامه دارد

بقیه از اهمیت پیا داشتن نماز

فضیلت آن می خواند، در خوف و وحشت است، ولی اگر نماز را در وقت فضیلت نخواند، شیطان جرئت فریب دادن او را پیدا نموده و او را به ارتکاب گناهان کبیره وامی دارد.

منظور از شیطان، چه نفس اماره انسان باشد، یا خود شیطان فرد و جامعه ای که مراعات اوقات فضیلت نمازهای پنجگانه را بنماید، شیطان از آن فرد و جامعه ترسناک و گریزان است و طمعی در گمراهی وی نمی کند و گرنه از راه کم توجهی به وقت نماز در او نفوذ نموده و بروی چیره می گردد.

نماز جمعه نیز یکی از آن نمازهایی است که شیاطین و حتی شیطان بزرگ [آمریکا] از آن وحشت دارد زیرا این اجتماعات بزرگ نمازهای جمعه است که بینش مذهبی و سیاسی و شور و حماسه انقلابی مردم را تقویت کرده و فریاد رسای مرگ بر امریکای آنان، لرزه بر اندام شیطان بزرگ می افکند. بنابراین باید قدر این نمازهای جمعه را بدانید و برای آن اهمیت فراوان قائل باشید و شرکت در نمازهای جمعه را بر کارهای دیگر ترجیح دهید. خداوند همه را از نماز گزاران واقعی قرار دهد.

- ۱- سوره لقمان، آیه ۱۷.
- ۲- سوره ابراهیم، آیه ۴۰.
- ۳- سوره یونس، آیه ۸۷.
- ۴- سوره مریم، آیه ۵۵.
- ۵- سوره آل عمران، آیه ۳۹.
- ۶- سوره مریم، آیه ۳۱.
- ۷- سوره آل عمران، آیه ۱۹.
- ۸- اعلی صدوق، ص ۲۹۰.

بقیه از منتهای اجتماعی جزیره العرب

۱۷- در حدیث است که صمصم بن ناجیه بن عقال به نزد رسول خدا (ص) آمده و عرض کرد: من در زمان جاهلیت عمل صالحی انجام داده ام آیا برای من اکنون سودی دارد؟ و چون رسول خدا (ص) سؤال کرد چه عملی انجام داده ای داستانی نقل کرد که خلاصه اش آن بود که من در آنروزگار دوشتر گم کردم و بدنیاال آنها در بیابان می گشتم و به چادری برخوردیم که پیرمردی در کنار آن نشسته بود و چون سراغ شترانم را از او گرفتم گفت: نزد ما است و من نزد او نشستم تا شترانم را بیاورند که در این وقت پیرزنی از خیمه بیرون آمد و آن مرد بدو گفت:

چه زانیده؟ اگر پسر است که در مال ما شریک است! و اگر دختر است که او را دفن کنیم؟ پیرزن گفت: دختر است، من که این سخن را شنیدم به آن مرد گفتم: آیا این دختر را به من می فروشی؟

پیر مرد گفت: مگر عرب فرزندی خود را می فروشد؟

گفتم: من حیات و زندگی او را می خرم، نه خود او را!

گفت: به چند میخوری؟ گفتم: خودت بگو. گفت: به دوشتر ماده و یک شتر نر! من پذیرفتم و آن دختر را خریدم و پس از آن نیز این کار شیوه من بود، و بدین ترتیب دوست و هشتاد دختر را که می خواستند زنده بگور کنند خریداری کردم و از مرگ نجات دادم...

۱۸- شمس جمع احسن به معنای متصلب و سخت کوش در دین است، و چون قریش خود را این چنین می پنداشتند این نام را بر خود نهاده و خود را اهل حمس می دانستند.

۱۹- در پاورقی سیره ابن هشام (ج ۱ ص ۲۰۲) در ذیل این داستان از برخی نقل کرده که رسول خدا (ص) از آن زن خواستگاری کرد و چون به آنحضرت گفتند که او زن متکبره ای است آنحضرت از ازدواج با او صرف نظر کرد... و سپس در صدد توجیه بر آمده که بهتر است خودتان در آن کتاب مطالعه کنید و ما را از ادامه این گفتار معذور دارید!